

بابک امیر خسروی:

جامعه مدنی را در همین جمهوری اسلامی باید پایه ریزی کرد!

مفید می دانیم. همانگونه که در مصاحبه های مورد نظر نیز مشاهده می شود، نوعی نگرش واقع بینانه نسبت به اوضاع داخل کشور در ارزیابی های نامبردگان بوجود آمده است، که در تمام دوران انتشار دوره دوم راه توده، ما بر آن ها تاکید داشته ایم. برجسته ترین نکته نیز درس هائی است که خود مصاحبه کنندگان معتقدند از انتخابات اخیر مجلس گرفته اند. البته حزب دمکراتیک مردم ایران نیز، مانند اکثریت قریب به اتفاق احزاب داخل و خارج از کشور، انتخابات را تحریم کرده بود و هنوز یک ارزیابی مشخص پیرامون سیاست "تحریم" و نادرستی و یا درستی آن در نشریه مرکزی این حزب انتشار نیافته است. این درحالی است که در مصاحبه آقای امیر خسروی درس های گرفته شده از این انتخابات مطرح می شود.

این که ارزیابی جدید مطرح شده در این مصاحبه ها تا چه زمان به قوت خود باقی خواهد ماند و دچار نوسانات جدید نخواهد شد، برای ما مطرح نیست. نکته مهم برای ما آنست که هر جریان سیاسی وقتی به واقعیت جامعه ایران نزدیک می شود و یا بار دیگر به پذیرش این واقعیات باز می گردد، گریزی از پذیرش نقطه نظرات حزب ما در این ارتباط ندارد. بویژه، وقتی که برای دورانی طولانی آنچه را از واقع بینی و حقیقت پذیری آموخته، در دامان حزب توده ایران بوده باشد!

"راه توده" از مصاحبه های آقای امیر خسروی (بصورت مشروح تر) و مصاحبه آقای خان بابا تهرانی، نکاتی را انتخاب کرده و در زیر منتشر می کند. (مقاله "گریزی از پذیرش واقعیت نیست" را در همین شماره راه توده بخوانید)

بابک امیر خسروی، درباره سرنگونی مسلحانه

«... فکر می کنم تجربه مجاهدین خلق که در واقع حداکثر امکانات نظامی را، که یک سازمان سیاسی مخالف جمهوری اسلامی می توانست داشته باشد، دولت عراق در اختیارشان گذاشت کافی باشد. ما تجربه "فروغ جاودان" (ورود نظامی مجاهدین به داخل خاک ایران، پس از پایان جنگ ایران و عراق، که بسیاری بر این عقیده اند، این عمل زمین ساز و بهانه قتل عام زندانیان سیاسی شد) را دیدیم، که جز بجای ماندن چندین هزار جوان کشته و در بدر شدن عده ای هیچ حاصلی نداشت و شکست کامل بود و فکر می کنم که حتی خود آنها هم دیگر چنین خواب و خیالی را ندارند. بنابراین باید با واقع بینی با مسئله روبرو شد. ... این نوع عملیات با شکست روبرو خواهد شد، برای اینکه مردم ایران وقتی متوجه شوند که جریان سیاسی با اتکاء به یک دولت خارجی می خواهد رژیم را سرنگون کند، به مقابله برخیزد و این تقاضای قرض شده و به سود رژیم تمام خواهد شد. این نوع عملیات اگر شکل محدود تری هم به خود بگیرد، یعنی شکل عملیات چریک شهری و تروریسم را به خود بگیرد، باز هم نتیجه ای بسیار نخواهد آورد و تهررا در جامعه تقویت خواهد کرد و جناح های فعلی حکومت را تقویت خواهد کرد. به همین دلیل ما اینگونه عملیات را ماجراجویی می دانیم و رد می کنیم. ... کشوری که توانست به مدت ۸ سال با عراق بجنگد که از سوی تمام دولت های بزرگ خارجی تقویت می شد و تقریباً دست تنها بود، بنابراین چنین قدرتی را شما نمی توانید با امکانات بسیار پیش پا افتاده از بین ببرید.»

جامعه مدنی - اعتقاد دارم که برای تامین دمکراسی در ایران، موظف

هستیم که در همین جامعه و همین جمهوری اسلامی نهاد های دمکراسی را بوجود آوریم. جامعه مدنی در ایران بسیار ضعیف است و در گذشته هم یا تقریباً وجود نداشت و یا موجودیت گذرا داشته است. منظورم از جامعه مدنی، وجود سازمان ها و تشکلهائی است که خارج از حاکمیت است، مثل احزاب، سندیکاهای کارگری، تشکلات زنان، انجمن های نویسندگان و ... احزاب بتوانند اعلام موجودیت بکنند، مطبوعات بتوانند خارج از حاکمیت فعالیت کنند، بازار آزاد نشر، همه اینها ارکان جامعه مدنی است. الان هم در ایران، نشانه های این جامعه مدنی را می بینیم اما ضعیف اند و باید تلاش و پیکار کرد تا آنها را تقویت کرد و از این طریق جامعه آینده را باید در درون همین جامعه خلق کنیم. منظورم در همین جمهوری اسلامی است. تمام توجه من به داخل کشور است، زیرا معتقدم نیروهای برون مرزی اهمیتی دارند که چشمگیر است، اما اساس کار در ایران است. ما از اینجا حرکت می کنیم که هر کاری باید صورت گیرد، باید از درون باشد. هر کس که بتواند به ایران برود، یک روز نباید آنرا به عقب بیاورد. مردم ایران ۶۰ میلیون هستند، همه ننشسته اند که ما از خارج برای اینها حکومت بیاوریم، جامعه مدنی بیاوریم و از خارج برای این جمعیت آلترناتیو بسازیم. جامعه مدنی را باید در داخل ایران بوجود آورد، جامعه مدنی ایران در امریکا که بوجود نمی آید. ما نباید یک استراتژی برای خارج و یک استراتژی برای داخل داشته باشیم. باید سازهایی ما، فکر ما با نیروهای داخل ایران هماهنگی داشته باشد. نیروها و سازمان های سیاسی در داخل ایران، اگر چه

* انتخابات اخیر مجلس، نشان داد، که حکومت دیگر مانند گذشته نمی تواند هر صدائی را خفه کند. بهر حال در ایران برخی احزاب سیاسی فعالیت هائی دارند که باید آنها را یاری کرد.

آقای بابک امیر خسروی، چند دهه، عضو حزب توده ایران و برای دورانی نیز عضو رهبری آن بود. پس از پیروزی انقلاب بهمن، همراه با دیگر رهبران حزب توده ایران، از مهاجرت ناشی از کودتای ۲۸ مرداد به ایران بازگشت و عهده دار مسئولیت های تشکلاتی و پژوهشی در حزب شد. پیش از یورش جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، راهی سفر به فرانسه شد و ...

بابک امیر خسروی، از آغاز مهاجرت جدید، یک سلسله نظرات قدیمی خود را پیگیری کرد، که سرانجام به جدائی کامل وی از حزب توده ایران و تاسیس "حزب دمکراتیک مردم ایران" انجامید. حزب دمکراتیک مردم ایران، اکنون چند سالی است که با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و جمهوریخواهان ملی ایران، فعالیت های مشترکی را دارد. درباره دیدگاه این حزب و نظرات بابک امیر خسروی و خصومتی که بصورت تبلیغات ضد توده ای در نشریه ارکان حزب دمکراتیک مردم ایران جریان داشته و دارد، "راه توده" نظرات خود را پیوسته اعلام داشته و باز هم اعلام خواهد داشت. بصورت همزمان، ما از هرگونه تحقیر و اتهام نسبت به حزب دمکراتیک مردم ایران پیوسته پرهیز داشته ایم و هرگاه که در نشریه "نامه مردم" نیز چنین شیوه ای درباره این حزب بکار رفته است، نسبت به آن معترض بوده ایم، زیرا برخورد با یک حزب سیاسی، از نظر ما باید متکی به دیدگاهها و نظرات آن حزب باشد. با کمال تأسف و تأثر و علیرغم شیوه ای که "راه توده" در ارتباط با حزب دمکراتیک مردم ایران داشته است، بسیاری از نویسندگان و رهبران حزب دمکراتیک مردم ایران، که اغلب ازاران و اعضای دیروز حزب ما نیز بوده اند، همچنان تلاش می کنند تا پذیرش خود توسط دیگران را با حملات تبلیغاتی نسبت به حزب توده ایران تثبیت کنند و از این نظر برای خویش هویتی مستقل از حزب توده ایران بسازند، حال آنکه برنامه و اساسنامه هر حزب سیاسی شناسنامه آن حزب و اعضاء و رهبرانش است، نه دشمنی و کینه ورزی نسبت به حزبی که برای چند دهه عضو، کادر و حتی عضو رهبری آن بوده اند! در این باره نیز "راه توده" در چند مقاله، مطالبی را متذکر شده است.

پس از انتخابات اخیر مجلس اسلامی، آقایان بابک "امیر خسروی" و "خان بابا تهرانی" که از تحریم کنندگان انتخابات و یا تأیید کننده مشی تحریم انتخابات بودند، با هم سفری به امریکا داشتند. (ما هیچ نوع اطلاعی از مناسبات احتمالی حزبی و یا سازمانی نامبردگان با یکدیگر نداریم و اصولاً هدفمان نیز بررسی و یا توجه به این موضوع نیست.)

در این سفر، هم آقای امیر خسروی و هم آقای خان بابا تهرانی، پس از سخنرانی در کنفرانس هائی که بدان دعوت شده بودند و یا برخی محافل پژوهشی یک سلسله مصاحبه های رادیویی نیز با رادیوی ۲۴ ساعته ایرانیان مقیم امریکا داشتند. مجموعه این مصاحبه ها، به همت همکاران راه توده در امریکا، بصورت نوار ضبط صوت در اختیار ما قرار گرفته است. در این مصاحبه ها نکات نو و بسیار قابل توجهی مطرح شده است، که ما اطلاع خوانندگان راه توده را از این نقطه نظرات

درباره تمرکز قدرت دولتی در جمهوری اسلامی و تفاوت بین رژیم توتالیتر و رژیم استبدادی، امیر خسروی گفت: «... اساسا در جمهوری اسلامی مانند دوران نازیسم در هیتلر و یا موسولینی در ایتالیا، چنین تمرکزی وجود ندارد. حتی در زمان آیت الله خمینی که رهبر طبیعی انقلاب بود، باز هم شاهد بودیم که چنین تمرکزی وجود نداشت. مراکز قدرت متعددی در جمهوری اسلامی هستند، که آنرا از حالت توتالیتر خارج می کنند. بخصوص حالا که دیگر آیت الله خمینی نیست و خامنه ای نیز بهیچ وجه اعتبار و مشروعیت او را ندارد که بتواند به عنوان یک رهبر یک حرفی بزند و همه مراعات کنند. بخصوص که بعد از ۷۷ سال رژیم عدم کارآیی و کفایت خودش را برای دولتمداری نشان داده و مردم اصلا گوش نمی کنند. سابق اینطور نبود، اوایل انقلاب واقعا مردم هر چه خمینی می گفت اطاعت می کردند، حالا اینطور نیست... مهم ترین موضوع در حال حاضر پیوند زدن خواست های اقتصادی مردم، مثل نان و آب و مسکن، با خواست های دموکراسی و آزادی است که عمدتا توسط احزاب داخل کشور، روشنفکران و اشرار میانه جامعه مطرح است. احزابی نظیر حزب ملت ایران، نهضت آزادی ایران و جبهه ملی ایران. درست است که این احزاب از همه امکانات فعالیت قانونی مثل داشتن کلوب و یا روزنامه ارگان برخوردار نیستند، اما بهرحال آنها فعالیت علنی دارند، حرف می زنند، اعلامیه می دهند. اینکه می گویند رژیم این یک جو آزادی را برای درست کردن ویتترین آزادی برای مجامع بین المللی تحمل کرده، بنظر من مسئله به این سادگی ها نیست، البته شاید این تصور نیز در حکومت باشد. رژیم چرا ۶ سال پیش این سیاست را اجرا نکرد؟ چرا ۶ سال پیش، ۸ سال پیش همه اینها را سرکوب کرد ولی حالا به این فکر افتاده که باید به اینها یک کمی آزادی داد. خود همین هم نشان می دهد که رژیم مانند سابق قادر به حکومت کردن نیست. اینجاست که نیروهای سیاسی باید از این موقعیت استفاده کرده و عاقلانه گام به گام پیش بروند، خودشان را با مردم پیوند بدهند و خواست های آزادیخواهانه را در جامعه مطرح بکنند. من اعتقاد دارم که رژیم جمهوری اسلامی مجبور شده به این حداقل تسامح تن بدهد. اگر می توانست به همین مقدار هم تن نمی داد.»

بابک امیرخسروی در این قسمت از مصاحبه خود و در تناقض با بخش دیگر سخنان خود که بر ضرورت کار در میان مردم و در کنار مردم تاکید کرده بود، گفت:

توده پرستی - «... متاسفانه این مسئله کیش توده پرستی و دنبال توده مردم حرکت کردن دامنگری ما بوده است. یکی از دلایل اینکه چپ ایران دنبال خمینی رفت همین بود، که آقا مردم خمینی را می خواهند، شما چه می گویند؟ توده خطا نمی کند. البته در خیلی موارد مردم اشتباه نمی کنند، خطا نمی کنند، اما در یک انفجار کور اینطور نیست. البته مردم سازمان یافته و متشکل خطا نمی کنند. نمی شود وقتی مردم عاصی و عصبانی که در خیابان ها هستند، گفت که هر کجا توده مردم است، جای من هم همانجا است! نخیر

... بطور کلی ما از مشی و شیوه سیاسی مسالمت آمیز برای دموکراسی و آزادی پیروی می کنیم، البته در یک حکومت استبدادی ممکن است حکومت شیوه های قهرآمیز را به مردم تحمیل کند، در اینصورت مشی ما این خواهد بود، که مبارزه را تعطیل کنیم. سیاست ما قهر و خشونت نیست، بلکه تلاش ما تحول از درون در جامعه است، زیرا ممکن است حکومت کنونی هم سرنگون بشود، اما این سرنگونی الزاما نتیجه اش برقراری آزادی در ایران نیست...»

خان بابا تهرانی:

چیزی نداریم که به دیگری بیاموزیم!

خان بابا تهرانی درباره "سرنوشت حاکمیت ملی، از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی" در آمریکا سخنرانی کرد. این سخنرانی در واشنگتن انجام شد. پس از این سخنرانی، وی در دومین مصاحبه رادیویی با رادیوی ۲۴ ساعته ایرانیان شرکت کرد. بخشی از پاسخ های او به سوال کننده، تکرار قسمت هایی از سخنرانی وی بود. برخی از نکات مطرح شده در این مصاحبه و یا سخنرانی را (گاه نقل به مضمون) در زیر می خوانید:

محدود اما مبارزه می کنند و ما باید کوشش کنیم با آنها یک دیالوگی بوجود آوریم، از آنها حمایت کنیم، زیرا آنها هستند که باید تقویت بشوند، آنها هستند که این جامعه مدنی را باید پویا بکنند... مسائل مربوط به اختلافات و تنوع نظرات بین جمهوری خواهان و سلطنت طلب ها و این نوع مسائل نیز بیشتر در خارج از کشور حاد است تا در داخل کشور. در داخل مسائل اساسا به این صورت مطرح نیست که سلطنت طلب ها چه می گویند و یا جمهوری خواهان چه می گویند. آنها برای حداقلی تلاش می کنند. مسئله برای بدست آوردن آزادی ها و حقوق بشر است. این نوع مسائل (سلطنت و جمهوری) در داخل اصلا مطرح نیست، این بحث خارجی هاست، مال همین شهر شماس، احتمالا اروپاست. بحث نیروهای سیاسی داخل کشور نیست، به این مناسبت که شاید در آنجا اغلب نیروها جمهوریخواه هستند. شما اگر اعلامیه ها و نوشته های احزاب و نیروهای داخل کشور را مطالعه کنید، می بینید که خواست های آنها عمدتا آزادی بیان، آزادی احزاب و آزادی مطبوعات و این نوع مسائل است. اتفاقا یکی از دلایل من برای تکیه بر داخل کشور، یکی همین است که اصولا در داخل اینگونه مسایل خیلی بندرت مطرح است.

آقای امیر خسروی در باره انتخابات اخیر مجلس که اتفاقا حزب دموکراتیک مردم ایران نیز جزو تحریم کنندگان بود، گفت:

انتخابات مجلس - «... شما دیدید که در آستانه انتخابات (مجلس پنجم) تلاشگران انتخابات آزاد، آمدند بیانیه و برنامه دادند، احزاب مختلف برنامه دادند و (خواهان آزادی شدند). درباره اینکه چقدر نتیجه داد، باید توجه داشت که این پیکار است، کسی نمی تواند فرمولی بدهد که مثلا برای یکماه آینده موثر باشد. من نمی گویم که مثلا چون تجربه دوره پنجم مجلس نتوانست به نتیجه برسد، پس این سیاست پیکار مسالمت آمیز نادرست است، برعکس این تجربه یکی از عوامل مشوق این راه است. سابق اگر یادتان باشد، در دوره انتخابات ریاست جمهوری اول آقای رفسنجانی، ۹۰ نفر یک نامه خیلی ملایمی نوشتند به رئیس جمهور، بیست و چند نفرشان را زندانی کردند، شکنجه دادند و ده نطفه خفه کردند، حالا چند صد نفر نامه می نویسند و برنامه ها و تظاهراتشان به مراتب رادیکال است، مصاحبه رادیویی و یا مطبوعاتی که خود شما هم بخش می کنید با شخصیت های ... تا آقا ... زهر، ابراهیم یزدی و دیگران هم حرفشان را می ... از طریق مختلف مصاحبه با ... بی بی سی در ایران منعکس می شود و بیانیه های اینها در ایران پخش میشود و یک نفر را اینها تعقیب نکردند، برای اینکه شرایط عوض شده و رژیم برخلاف سابق قدرت سرکوبش را از دست داده است. تضادها آنقدر زیاد است و ناراضانی مردم هم آنقدر شدید است و شرایط بین المللی هم در جهتی هست که اینها نمی توانند کسی را به صرف اینکه آمده در آستانه انتخابات گفته آقا من طرفدار آزادی مطبوعات و احزاب هستم سرکوب بکنند و شکنجه بدهد و یا از دایره خارج بکنند.

انتخابات مجلس برای من یک تجربه مهم و مثبتی بود که فکر می کنم از حالا تا یکسال دیگر که انتخابات ریاست جمهوری انجام می شود، فکر می کنم که این مبارزه ها دامنه وسیع تری به خود بگیرد و همینطور ما بتوانیم قدم به قدم برای همین مطلبی که گفتم، یعنی "جامعه مدنی" قدم های بیشتری را برداریم. همه چیز در گرو مبارزه مردم، نیروهای سیاسی آزادیخواه و نتیجه آن هم بستگی به تناسب نیروها دارد. سرنوشت دموکراسی در ایران اینگونه نخواهد بود، که مثلا یک روز آقای رفسنجانی به این فکر بیافتد که آزادی هم بد چیزی نیست، من اصلا انتظار از این اشخاص در این جهت ندارم، بنابراین همانگونه که در گذشته هم اینطور بود و در آغاز (پیروزی) انقلاب هم دیدیم، تا نیروهای مردمی و آزادیخواه در صحنه بودند اینها نمی توانستند به سادگی سرکوب بکنند. الان هم وضع همینطور است. تا مردم نیایند در صحنه و تا نیروهای آزادیخواه فعال نباشند، دست حکومت برای سرکوب کوتاه نخواهد شد. امروز ناراضانی زیاد است، اما ناراضانی مردم عمدتا مربوط به زندگی روزمره است، مثل مسکن، نان ... خوب واقعا هم مردم با این مشکلات دست به گریبان هستند. در اسلام شهر مردم برای آب قیام کردند. متاسفانه مردم هنوز برای آزادی و دموکراسی نمی آیند به خیابان، برای اینکه مشکلات حاد تری مثل نان و مسکن دارند. شاید به قول شما در یک تظاهرات شعاری هم مثلا علیه خامنه ای داده باشند و از توی مردم هم این شعار در آمده باشد، اما حرکت این نیست و نباید خودمان را فریب بدهیم. حرکت علیه جمهوری اسلامی و بصورت سیاسی نبوده است. این ناراضانی ها هنوز پیوند نخورده است با مسئله آزادی و دموکراسی، یکی از کارهایی که نیروهای سیاسی برای داخل کشور باید به آن توجه داشته باشند اینست که چگونه این دو را به هم پیوند بدهند و چگونه بتوانند این ناراضانی مردم را به یک مبارزه سیاسی تبدیل کنند.

بقیه "اتحاد چپ دمکراتیک ایران" از ص ۱۳)

(بدین ترتیب و همانگونه که می خوانید، این دو اطلاعیه همخوانی کاملی دارد با نظرات مطرح شده در نشریاتی نظیر "نامه مردم"، "کار"، "راه کارگر" و...)

ضمناً از موضع گیری این جریان، پس از برگزاری انتخابات هنوز اطلاعی در دست نداریم، اما باید یقین داشت، که حاصل انتخابات و نبرد تنگاتنگی که در جامعه جریان دارد، باید تعدیل هائی در اندیشه و برداشت سیاسی صاحب ویا صاحبان این نوع تفکر و اندیشه را در داخل کشور نیز بوجود آورده باشد.

برنامه

با امضای "اتحاد چپ دمکراتیک ایران" برنامه ای نیز به دست ما رسیده است. این برنامه بنا بر مقدمه ای، که ضمیمه آنست، در اردیبهشت ۱۳۷۴ تهیه شده و در آذرماه همین سال، بعنوان برنامه حداقل این اتحاد "به اتفاق آراء" اعضا، و به عنوان پایه اصلی فعالیت مشترک تصویب شده است. در این مقدمه آمده است:

«برنامه حداقل... حاصل تفکر جمعی است و همه اعضا در تمامی مراحل بحث و تدوین و تصویب آن شرکت فعال داشته اند...»

در متن این برنامه نیز از جمله آمده است:

«... اهداف ملی و دمکراتیک "اتحاد چپ دمکراتیک ایران" در شرایط کنونی عبارتند از، برقراری حکومت مردم بر مردم با تأکید بر شکل جمهوری آن... صرف نظر از اعتقاد یا عدم اعتقاد به ایدئولوژی و دین خاص... تأکید بر جدائی دین و هر نوع ایدئولوژی از حکومت و اعمال قدرت حکومتی با تکیه بر نظام پارلمانی دمکراتیک - استقلال سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه و رسانه های گروهی از یکدیگر. ایجاد سیستم اقتصادی دمکراتیک براساس مالکیت دولتی، تعاونی و خصوصی... سمتگیری به سوی مالکیت اجتماعی بر مجموعه اقتصاد کشور... کنترل جدی و محدود کننده سودجویی افسار گسیخته بخش خصوصی، ممنوعیت فروش و واگذاری منابع ملی و صنایع کلیدی و مادر. تأمین عدالت اجتماعی... تأمین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی - دفاع از حاکمیت ملی - تأمین منافع ملی - پاسداری از وحدت کشور و تمامیت ارضی، دفاع از حیثیت و علائق ملی، اتخاذ سیاست همزیستی مسالمت آمیز و رابطه برابر حقوق با کلیه کشورهای جهان با تکیه بر اصل عدم دخالت در امور داخلی آنها و احترام به حق حاکمیت ملل دیگر - دفاع از صلح جهانی - مبارزه با تروریسم... "اتحاد چپ" اعتقاد دارد که قانون اساسی کنونی کشور، خواست ها و حقوق دمکراتیک مردم را بطور دقیق و کامل و پیگیر مطرح نمی کند و بنیادهائی از اصول پایه ای آن ناقص حقوق دمکراتیک مردم است. بویژه اصل غیردمکراتیک ولایت فقیه که با اصل حاکمیت مردم تناقض جدی و آشفتناپذیر دارد و سد اساسی در مقابل هرگونه تحول جدی دمکراتیک در جامعه است... از این رو حذف اصل ولایت فقیه و دیگر اصول غیر دمکراتیک این قانون، تدوین قانون اساسی دمکراتیک بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر و با تأکید بر اصل جدائی دین از حکومت و اصل حاکمیت بدون قید و شرط مردم... مبارزه خود را ادامه خواهد داد... از آنجا که با حاکمیت موجود نمی توان به اهداف فوق دست یافت، لذا گام اولیه ضرور برای تحقق این اهداف، تغییر اساس حاکمیت کنونی از طریق برگزاری انتخابات آزاد و با شرط تأمین دمکراسی کامل در کشور است... "اتحاد" از حرکت ها و اقداماتی که به گسترش تروریسم و ایجاد جنگ داخلی در کشور منجر شود، حمایت نکرده و از نظر اصولی با این نوع حرکت ها مخالف است. "اتحاد" هیچیک از جناح های موجود حاکمیت را مورد تأیید قرار نمی دهد، اما از هر نوع اصلاحات واقعی و جدی که از سوی جناح های وابسته به حاکمیت، صرف نظر از انگیزه و نیت آنها به سود مصالح ملت و منافع ملی، بهبود سطح زندگی مردم، ایجاد فضای باز سیاسی و اجتماعی و فرهنگی تحقق یابد پشتیبانی می کند... "اتحاد" در روند مبارزه علیه سلطه امپریالیسم جهانی هیچگاه مبارزه برای تأمین خواست ها و حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی در کشور و مخالفت با حکومت دینی و استبدادی را متوقف نمی سازد... شیوه انتخابی و مطلوب "اتحاد" در مبارزه برای تحقق اهداف خود، مبارزه مسالمت آمیز و پرهیز از اعمال خشونت کور و درگیری مسلحانه است.

"اتحاد چپ دمکراتیک" اعتقاد دارد که اینک بیش از هر زمان دیگری سازمان یابی و اتحاد چپ دمکرات برای حضور فعال و متحد و سازمانگرایانه در مبارزات دمکراتیک مردم ایران به یک نیاز فوری تبدیل شده است... "اتحاد" از وظایف اصلی خود می داند، تا برای تشکیل جبهه واحد فراگیر دمکراتیک با دیگر نیروهای دمکراتیک مستقل اپوزیسیون میهن بر پایه خواست ها و اهداف کوتاه مدت یا دراز مدت، استراتژی یا تاکتیکی، فعالیت خود را گسترش دهد...»

«... درباره ضرورت ائتلاف، با آنهایی که در داخل کشور فعالیت دارند، حتی آندسته از افراد آگاه و با وجدان داخل نظام کنونی ایران، که از خودسری ها و مردم فرینی های حکومتیان به تنگ آمده اند و نهمیده اند که حاصل همه فداکاری های آنها به دور شدن هرچه بیشتر از مردم و کمک به استبداد و خودکامگی و بردن جامعه به طرف نابودی ختم شده، آنها هم متحدان طبیعی یک ائتلاف ملی اند، برای رهائی ایران...»

خان بابا تهرانی نیز با تکرار برخی نقطه نظرات بابک امیرخسروی درباره ضرورت حضور در جامعه و کار در داخل کشور و پایه ریزی جامعه مدنی، ضمن اشاره به شناخت واقعیات جامعه امروز ایران و در اشاره به انتقاداتی که احزاب و سازمان های سیاسی به مشی و روش یکدیگر در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی داشته و دارند، با همطراز قرار دادن همه روشنفکران ایران و یکسان جلوه دادن مواضع همه آنها در دوران سلطنت پهلوی و جمهوری اسلامی (که بنظر مسا قیاس نادرستی است) و اینکه هیچکس به دیگری بدهکار نیست و نمی تواند مدعی دیگری باشد. او گفت:

«... نه آن دسته از (روشنفکران دوران نظام شاهنشاهی) که راه همکاری با قدرت های سیاسی روز را در پیش گرفتند، نه آن عده که در لاک روشنفکری خود خزیده و می کوشیدند رضایت خاطر خود را در لابلای کتاب ها بچینند و نه در میدان پر مخاطره عمل و نه یاران نیمه راه که به سودای خام شرکت در ولایت فقیه و توهم همسویه دانستن خود با قدرتی که در چشم آنان ضد امپریالیست می نمود، رو در روی آرمان های دمکراتیک مردم ایستادند و در ساده کردن و ساده اندیشی با سر سپردگی خویش در واقع تیشه به ریشه خود زدند و نه حتی آن گروه ازما که در تمامی سالها کوشیدند تا به آرمان های خود وفا دارمانند. هیچکدام چیزی نداریم که به دیگری بیاموزیم...»

(مقاله "گریزی از پذیرش تحلیل حزب توده ایران" نیست را بخوانید)

سازمان اکثریت:

اشتباه ما آن بود که جبهه دمکراسی را تشکیل ندادیم!

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سال های اخیر، پیوند و نزدیکی بسیاری با حزب دمکراتیک مردم ایران داشته است. این سازمان در کنار جمهوریخواهان ملی ایران، حزب دمکرات کردستان ایران و حزب دمکراتیک مردم ایران، اعلامیه ها و بیانیه های مشترکی را امضاء کرده است. ضرورت اشاره به این مناسبات، جلب توجه بیشتر به نقطه نظرات مشترکی است که بین این سازمان ها وجود دارد و بحث ما نیز آشنا ساختن بیشتر خوانندگان خود با این نقطه نظرات است، جدا از اینکه این سازمان و یا آن حزب مثلاً در باره مشروطه خواهان و یا سلطنت طلب ها کدام نقطه نظر ویژه خود را داشته باشد. با این مقدمه، و در ادامه نقطه نظرات آقایان بابک امیرخسروی و خان بابا تهرانی، بخشی از پاسخ "کار"، ارگان مرکزی سازمان فدائیان اکثریت، به یکی از خوانندگانش را در زیر می آوریم. این پاسخ در شماره ۱۳۶ (تیر ۷۵) چاپ شده و پاسخی است، به خواننده ای که نسبت به مناسبات و یا برداشت های رهبری کنونی سازمان مذکور نسبت به سلطنت طلب ها اعتراض داشته است:

«... ما براساس تجربه گرانقدر گذشته، مخالف تشکیل جبهه سیاسی و اتحاد های سیاسی حول محور مخالفت صرف با نیروهای حاکم هستیم. همه ما می دانیم که اتحاد رسمیت نیافته ما بنا بر نیروی اسلامی به رهبری آیت الله خمینی علیه شاه بجای مثلاً اتحاد حول تشکیل مجلس موسسان و اتحاد یکطرف ما با رژیم خمینی علیه امریکا بجای کوشش برای متحد کردن همه نیروهای میهن دوست حول دفاع از دمکراسی در سال ۱۳۵۷، چه آسیب هائی به ما و جنبش چپ و دمکراتیک ایران وارد آورد... سیاست عدم اتحاد با سلطنت طلبان یک سوی سیاست ما نسبت به طرفداران استقرار نظام سلطنتی در ایران است. سوی دیگر آن، تجدید نظری است که ما در نحوه برخورد خود با سلطنت طلبان به عمل آورده ایم... از همین روست که ما علیرغم مخالفتمان با سلطنت و در نتیجه مبارزه سیاسی با سلطنت طلبان از شکل گیری گرایش هائی با سمت مشروطه خواهی در میان طرفداران سلطنت پهلوی استقبال می کنیم و از اینکه گرایش اقتدارگرا، مراد پرور و استبدادی در میان آنها تضعیف و متفرد شود، خرسند می شویم...»

مقاله "گریزی از پذیرش تحلیل حزب توده ایران نیست" را بخوانید